

مباحثی در اقتصاد آموزش و پرورش

حمید صراف اسماعیلی*

چکیده

اقتصاد آموزش و پرورش شاخه‌ای از علم اقتصاد است که کاربرد علم اقتصاد در آموزش و پرورش و آثار بیرونی، درونی و بین رشته‌ای آن را مورد توجه قرار می‌دهد و موضوعاتی چون، «تأمین منابع مالی آموزش و پرورش، مدیریت منابع آموزش و پرورش، تأثیر آموزش و پرورش بر رشد و توسعه اقتصادی، تأثیر آموزش و پرورش بر توزیع عادلانه درآمد، تأثیر آموزش و پرورش در افزایش تولید و درآمد خانواده، تخصیص منابع مالی آموزش و پرورش بین دولت و بخش‌های غیردولتی، تحلیل هزینه‌های آموزش و پرورش و اثربخشی هزینه‌ها»، را بررسی و مطالعه می‌کند.

در سال‌های اخیر، در کشور ایران گزارش‌هایی از اقتصاد آموزش و پرورش تهیه شده است، که یکی از این گزارش‌ها، بررسی و اندازه‌گیری ارزش افزوده نوزده بخش و زیربخش در ایران است. مطالعه این گزارش نشان می‌دهد آموزش ابتدایی و متوسطه عمومی به ترتیب با ۶۵۸ درصد و ۴۲۳ درصد ارزش افزوده، ردیف‌های دوم و چهارم را در بین نوزده بخش و زیربخش به خود اختصاص داده‌اند. (به جدول پیوست مراجعه شود)

* مدیر کمیته آموزش و پرورش دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مقدمه

اقتصاد آموزش و پرورش از دو واژه «اقتصاد» و «آموزش و پرورش» تشکیل شده است که به تبع تلقی از واژه «اقتصاد» در حوزه علم اقتصاد و از منظر «آموزش و پرورش» در حیطه علوم تربیتی قرار دارد، اما این علم ترکیبی، کاربرد علم اقتصاد در نظام آموزش و پرورش را مورد توجه قرار می‌دهد و آموزش و پرورش را قادر می‌سازد تا ضمن به کارگیری منطقی یافته‌های علم اقتصاد، آموزش و پرورش با کیفیت را با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار دهد و شرایطی را فراهم می‌سازد تا تربیت یافتگان آموزش و پرورش، یعنی انسان‌ها، با بهره‌گیری و تأثیر و تأثری که از «آموزش و پرورش»، «محیط زیست»، «بهداشت و تغذیه»، «اشتغال» و «آزادی سیاسی و اقتصادی» می‌گیرند، خود را به منابع انسانی و سرمایه انسانی در جامعه تبدیل کنند.^۱ منابعی که در چرخه مستمر هدایت منابع جامعه به سوی توسعه و سعادت نقش اصلی را دارد و در راه دستیابی به توسعه پایدار و ضمن بهره گرفتن از فرهنگ خودی اقدام به تنظیم روابط منابع جامعه و زایش و پخش عناصر توسعه در تمامی ابعاد می‌کند و بالاخره، اقتصاد آموزش و پرورش ده‌ها سؤال طرح و پاسخ آن را از آموزش و پرورش طلب می‌کند.

نوشته حاضر با تعریف واژه‌های «اقتصاد»، «آموزش و پرورش» و «اقتصاد آموزش و پرورش» شروع می‌شود و سپس «پیشینه» تاریخی اقتصاد آموزش و پرورش و رابطه آموزش و پرورش با اقتصاد را مورد توجه قرار می‌دهد. به دنبال موارد مذکور، به تبیین اهداف در اقتصاد آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام می‌پردازد و اهداف اقتصادی نظام آموزش و پرورش ایران را در قالب اهداف کلی آموزش و پرورش بازگو می‌کند و ضمن تحلیل مختصری از فواید توجه به اقتصاد آموزش و پرورش، به اولویت‌گذاری در کمک‌های بین‌المللی اشاره می‌کند و در نهایت از نوشته‌ها، نتیجه‌گیری می‌کند.

ناگفته نماند، تجزیه و تحلیل اقتصاد آموزش و پرورش ایران نیازمند بررسی واقعی

۱. ژاک هلک، سرمایه‌گذاری برای آینده آموزش و پرورش، ترجمه عبدالحسین نفیسی، (تهران، انتشارات مدرسه،

است تا دستاوردهای اقتصادی آموزش و پرورش ایران احصا و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، همچنین نتایج حاصل در برنامه‌ریزی‌های توسعه و سیاست‌گذاری‌های میان‌مدت و بلند مدت مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۱. تعریف واژه علم اقتصاد

علم اقتصاد بررسی روش‌هایی است که بشر با وسیله یا بدون وسیله «پول» برای به کار بردن منابع کمیاب به منظور تولید کالاها و خدمات در طول زمان، و همچنین برای توزیع کالاها و خدمات بین افراد و گروه‌ها در جامعه به منظور مصرف در زمان حال و آینده انتخاب می‌کند. بررسی تعریف علم اقتصاد نشان می‌دهد که منابع معمولاً محدود است و از منابع محدود در بخش‌های مختلف اقتصادی بهره گرفته می‌شود و سیاست کلی نیز این است که با حداقل کاربرد منابع در دسترس در تولید کالا و خدمات، حداکثر محصول مطلوب از نظر کمی و کیفی حاصل شود. در نتیجه، علم اقتصاد چگونگی توزیع کالاها و خدمات در جامعه را بررسی کرده و میزان مصرف آن‌ها را مشخص و سرمایه‌گذاری مورد نیاز را تعیین می‌کند. وظیفه «دانش اقتصاد یا اقتصاد اثباتی» بررسی وضعیتی است که بر زندگی اقتصادی حاکم است و همچنین انگیزه‌ها و دستاوردها و نشانه‌های این وضع را تجربه کرده و می‌شناساند، ولی روش اقتصادی یا اقتصاد هنجاری یا مکتب اقتصادی که با ارزش‌ها، اخلاق و عقاید سر و کار دارد، زندگی اقتصادی را ارزیابی می‌کند و با تصویری که از عدالت دارد روشن می‌سازد که این زندگی چگونه باید باشد و به چه روش عادلانه‌ای باید سامان گیرد. در واقع «دانش» آشکار می‌سازد و روش یا مکتب ارزیابی می‌کند؛ دانش از آنچه هست و از علت‌های آن سخن می‌گوید و روش از آنچه باید باشد و آنچه نباید باشد، گفتگو می‌کند.^۱

۱. مرتضی امینی‌فر، «اقتصاد آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۶۸،

۲. تعریف آموزش و پرورش

آموزش و پرورش فرایندی نظام‌دار است که با هدف رشد انسان به تولید دانش می‌پردازد.^۱

۳. تعریف اقتصاد آموزش و پرورش

با توجه به تعریفی که پل ساموئلسون از اقتصاد به عمل آورده است و توضیحی که «تئودور شولتز» در انجمن اقتصاددانان آمریکا در سال ۱۹۶۰ از اقتصاد آموزش و پرورش ارائه داده است نتیجه‌گیری می‌شود که تعریف و اقتصاد آموزش و پرورش به شرح زیر است: «اقتصاد آموزش و پرورش شاخه‌ای از علم اقتصاد است که کاربرد صحیح منابع را در آموزش و پرورش بررسی می‌کند و به تحقق هدف‌های نظام آموزشی به کاراترین وجه یاری می‌رساند».

ملاحظه می‌شود «کاربرد صحیح» منابع در آموزش و پرورش و یاری به «تحقق هدف‌های نظام آموزشی» با ویژگی «کاراترین وجه» از وظایف و رسالت‌های اقتصاد آموزش و پرورش است.

۴. سؤالات مطرح در اقتصاد آموزش و پرورش^۲

از نظر «اقتصاددانان» و «علمای تعلیم و تربیت» سؤالات مطرح در اقتصاد آموزش و پرورش به شرح زیر است:

۴-۱. سؤالات اقتصاددانان

- با توجه به اصل بازگشت سرمایه، برای آموزش و پرورش باید چه میزان سرمایه‌گذاری کرد؟

- توابع درآمد^۳ بر اساس تربیت نیروی انسانی در مقاطع و رشته‌های مختلف در ابعاد فردی و جمعی، چه ملاک‌هایی برای تصمیم‌گیری در اختیار سیاستگذاران قرار می‌دهد؟

۱. محمود متوسلی و محمدرضا آهنجیان، اقتصاد آموزش و پرورش، (تهران، سمت، ۱۳۸۱)، ص ۲۲ و ۲۳.

۲. همان، ص ۳۹ و ۴۰.

- نقش آموزش و پرورش در رشد و توسعه اقتصادی چیست؟
- آثار درآمدی و غیردرآمدی آموزش و پرورش کدام است؟
- چگونه می‌توان از اقتصادی بودن نظام آموزش و پرورش اطمینان حاصل کرد؟
- آیا آموزش و پرورش در توزیع درآمد و ثروت نقشی دارد؟

۲-۴. سؤالات علمای تعلیم و تربیت

- بهترین نظام یادگیری کدام است؟
- چگونه می‌توان توانایی‌های بالقوه انسان را شناخت و بهترین نظام را برای توانمندسازی کامل آن فراهم کرد؟
- نقش آموزش و پرورش در شکل‌گیری سرمایه انسانی چه میزان است؟
- چگونه باید برنامه درسی^۱ تنظیم شود تا حداقل ضایعات^۲ را داشته باشد؟
- چگونه با شناخت پیشرفت تحصیلی و افت تحصیلی می‌توان در آن‌ها تأثیر گذاشت؟

۳-۴. سؤالات دیگر

- آثار مستقیم و غیرمستقیم اقتصاد آموزش و پرورش کدام است؟
- با چه خصوصیتی، باید برای ساختن انسان - سرمایه انسانی - از منابع محدود و کمیاب مالی استفاده کرد؟
- اقتصادی‌ترین برنامه، ساختار و روش آموزش و پرورش کدام است؟
- منابع تأمین مالی آموزش و پرورش کدام است و سهم هر کدام چقدر است؟
- نظام‌های آموزش و پرورش تا چه حد توانسته‌اند به هدف رفاه، آرامش و رضایت‌مندی انسان دست یابند؟
- چگونه می‌توان سودمندی و اثربخشی و برآیندهای نظام آموزشی را به حداکثر رساند؟

۵. پیشینه تاریخی علم اقتصاد آموزش و پرورش

از زمان‌های قدیم به اقتصاد آموزش و پرورش توجه می‌شده است، اما به صورت امروزی و در چارچوب رشته‌های تخصصی در ۲۸ دسامبر سال ۱۹۶۰ در محل سنت لوئیس امریکا و در انجمن اقتصاددانان، تئودور شولتز در سخنرانی خود با عنوان «سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی» به علم اقتصاد آموزش و پرورش حیات داد. بروز و ظهور این علم، توسط تئودور شولتز معلول شرایط حاصل از دوره بعد از جنگ جهانی دوم بود که انسان را در صحنه تولید و عرضه خدمات، به عنوان سرمایه انسانی، مورد توجه قرار داده بود. قبل از تئودور شولتز افراد دیگری نیز به نقش آموزش و پرورش در سرمایه انسانی یا نتایج اقتصادی حاصل از آموزش و پرورش اشاراتی داشته‌اند. این مقاله در این قسمت به طور مختصر به طرح دیدگاه حدود ده نفر از اقتصاددانان معروف می‌پردازد.

۵-۱. آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳)

آدام اسمیت پدر علم اقتصاد در کتاب پژوهشی در ماهیت و علل ثروت ملل که در سال ۱۷۷۶ میلادی منتشر شده است بر نقش کار در ایجاد ثروت و اهمیت آموزش و پرورش در تشدید آن تأکید دارد.

۵-۲. رابرت مالتوس (۱۸۳۴-۱۷۶۶)

رابرت مالتوس از آموزش و پرورش به عنوان عاملی غیر اقتصادی که باعث ایجاد تشکیلات اداری منظم، سختکوشی، ایجاد معیارهای اخلاقی و غیره می‌شود، یاد می‌کند و می‌گوید آموزش و پرورش باعث ارتقا بهره‌وری انسان‌ها می‌شود و اعلام می‌دارد که در اثر آموزش، مردم اقدام به کنترل موالید و در نتیجه کاهش جمعیت می‌کنند.

۵-۳. دیوید ریکاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲)

دیوید ریکاردو معتقد بود که آموزش و پرورش باعث کاهش جمعیت و افزایش سرمایه می‌شود.

۴-۵. جان رمزی مک کولاک (۱۸۶۴-۱۷۸۹)

جان رمزی مک کولاک معتقد بود که مهارت، هوش، معرفت و صلاحیت مانند افزایش ثروت و سرمایه از عناصر تشکیل دهنده سرمایه ملی هستند و باید اعتقاد داشت که فقرای آموزش ندیده سرنوشت خود را ناشی از مشیت می‌دانند، در نتیجه نسبت به مسائلی که در اطراف آنان می‌گذرد بی‌تفاوت می‌شوند ولی وقتی مورد آموزش قرار گرفتند نسبت به مسائل جامعه حساس می‌شوند و بی‌تفاوت نمی‌مانند.

۵-۵. جان هنری نیومن (۱۸۰۱-۱۸۹۹)

جان هنری نیومن در کتاب مفهوم دانشگاه^۱ هدف از تحصیل را کسب نگرش فراگیر درباره حقیقت می‌دانست و بر تأثیر علوم در یکدیگر تأکید می‌ورزید.

۶-۵. جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳)

ایشان معتقد بود که آموزش و پرورش قدرت آینده‌نگری و شرایط تهذیب فردی را تقویت می‌کند و آموزش فرزندان کارگران باعث به وجود آمدن تحول و افزایش تولید و درآمد آنان می‌شود.

۷-۵. آلفرد مارشال (۱۸۴۲ - ۱۹۲۴)

در کتاب خود با عنوان اصول علم اقتصاد از آموزش و پرورش به عنوان سرمایه‌گذاری ملی یاد می‌کند و ارزشمندترین سرمایه‌گذاری را سرمایه‌ای معرفی می‌کند که برای آموزش و پرورش افراد به کار برده می‌شود.

۸-۵. سیمون کوزنتس^۲

کوزنتس در سخنرانی خود هنگام دریافت جایزه نوبل در سال ۱۹۷۱ میلادی رشد نوین اقتصادی را این گونه تعریف می‌کند: «افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به منظور افزایش

۱. The idea of a University

۲. پیشین، محمود متوسلی، ص ۷۴.

عرضه کل، تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد. افزایش ظرفیت بلندمدت تولید بستگی به ترقیات نوین فنی و تطبیق آن با شرایط نهادی و ایدئولوژیک مورد تقاضای آن دارد.» به نظر وی برای استفاده بهتر و مؤثرتر از فناوری نوین و توسعه داخلی آن، تطبیق شرایط ایدئولوژیک و نهادی برای استفاده مؤثرتر از نوآوری‌ها با دانش انسان ضروری است.

۹-۵. تئودور شولتز

تئودور شولتز که به «پدر تئوری سرمایه انسانی» معروف است، به توانایی‌های اکتسابی انسان به صورت یک سرمایه از پیش تولید شده و یک عامل هدف‌دار تولید می‌نگرد و آموزش پرورش را نوعی سرمایه‌گذاری بر روی انسان می‌داند. تئودور شولتز نشان داد که در سال‌های ۱۹۵۶ - ۱۹۲۹ میلادی ۲۰ الی ۴۰ درصد درآمد ملی آمریکا صرف سرمایه‌گذاری‌های آموزشی می‌شود و علت عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی کشورها را قصور در سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی می‌داند.

۱۰-۵. ادوارد دنیسون

ادوارد دنیسون که مطالعات گسترده‌ای برای تعیین منابع رشد آمریکا در سال‌های ۱۹۲۹ - ۱۹۱۰ و ۱۹۵۷ - ۱۹۲۹ میلادی انجام داده است و بعدها مطالعه خود را تا سال ۱۹۸۲ میلادی توسعه داده است، نشان می‌دهد که حدود ۲۳ درصد از نرخ رشد تولید در کشور آمریکا به افزایش دانش نیروی کار (آموزشی) مربوط می‌شود.

اقتصاددانان دیگری چون جاکوب مینسر، گری بکر و بومن از دانشگاه شیکاگو، وافر برود و هنسن از دانشگاه ویسکونسین، بوون و مچلاپ از دانشگاه پرینستون و هریس از دانشگاه سان‌دیگو و مؤسسات علمی زیادی در آمریکا - آلمان، فرانسه (مؤسسه IIEP) و... خدمات فراوانی برای توسعه علم اقتصاد آموزش و پرورش انجام داده‌اند.

۶. رابطه آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی

تجارب کسب شده و یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد، رابطه مستقیمی بین آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی وجود دارد که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱-۶. یافته‌های مینسر

در سال ۱۹۵۸ میلادی جاکوب مینسر مقاله سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و توزیع درآمد اشخاص را نوشت و تلاش کرد الگویی را تنظیم کند که در آن خصوصیات توزیع درآمد افراد، به کمک تفاوت میان نیروی کار با درجه‌های مختلف آموزشی، توضیح داده شده باشد و بالاخره او بود که نرخ بازده را برای سرمایه‌گذاری ضمن خدمت تخمین زد و در نهایت «تابع درآمد» را به گونه‌ای تنظیم کرد که درآمد افراد را فقط براساس سال‌های تحصیل و تجربه کاری اندازه‌گیری می‌کرد و نتیجه گرفت که «منشأ اساسی قدرت تولید و درآمد فردی، میزان آموزشی است که وی دریافت کرده است».

مینسر جز اولین کسانی بود که توانست ارتباط بین پراکندگی درآمدها و تحصیلات را از طریق تابع درآمدی به اثبات برساند و یافته‌های وی باعث تحقیقات دیگری در دنیا شد. مینسر تابع درآمدی را به شکل یک رگرسیون نیمه لگاریتمی ارائه کرده است که در آن متغیر وابسته، درآمد شخص است و متغیرهای مستقل عبارت است از سال‌های تحصیل، سال‌های تجربه شخصی و توان دوم سنوات تجربه شخصی. در این روش، ضریب متغیر سال‌های تحصیل نشان‌دهنده نرخ بازدهی متوسط در سال‌های آموزشی است.

$$\ln y = B_0 + B_1 S + B_2 X + B_3 X^2 + U$$

B_1 = نرخ بازدهی

X = تجربه شخصی

S = سال‌های تحصیل

Y = درآمدهای شخصی

- نرخ بازدهی اجتماعی و خصوصی آموزش ابتدایی نسبت به نرخ‌های مشابه در سطح آموزش متوسطه و عالی بیش‌تر است (جدول ۱ و ۲).

- نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری آموزشی در مقایسه با متوسط نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری فیزیکی، در کشورهای در حال توسعه بالاتر است، ولی این امر الزاماً در کشورهای توسعه یافته صادق نیست.

- نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری‌های آموزشی تقریباً ثابت باقی می‌ماند و با توسعه کشورها کاهش می‌یابد (جدول ۲).

- نرخ بازدهی خصوصی آموزش در مورد تحصیلات عالی مورد توجه قرار می‌گیرد، در صورتی که این توجه باید به آموزش ابتدایی معطوف شود.

- نرخ بازدهی خصوصی در کلیه سطوح تحصیلی بالاتر از نرخ بازدهی اجتماعی است (جدول ۲).

- بازدهی آموزشی مردان در سطوح تحصیلی ابتدایی و عالی بیش‌تر از زنان است، ولی زنان در مقطع متوسطه بازدهی بالاتری نسبت به مردان دارند. بازدهی آموزشی کلیه سطوح تحصیلی نشان‌دهنده بازدهی بالای زنان نسبت به مردان است (جدول ۳).^۱

جدول ۱- نرخ بازدهی اجتماعی در سطوح مختلف تحصیلی در کشورهای جهان
(به درصد)

کشورها	آموزش ابتدایی	آموزش متوسطه	آموزش عالی
توسعه یافته	۲۷	۱۶	۱۳
در حال توسعه	۱۶	۱۴	۱۰
پیشرفته	-	۱۰	۹

مأخذ: متوسلی و آهنچیان

جدول ۲- نرخ بازدهی خصوصی و اجتماعی در سطوح مختلف تحصیلی در کشورهای جهان (به درصد)

گروه کشورها	متوسط درآمد سرانه به دلار آمریکا	اجتماعی			خصوصی		
		ابتدایی	متوسطه	عالی	ابتدایی	متوسطه	عالی
کشورهای با درآمد پایین ۶۱ دلار یا کم تر	۲۹۹	۳۲/۴	۱۵/۲	۱۰/۶	۳۵/۲	۱۹/۳	۲۳/۵
کشورهای با درآمد متوسط (تا ۲۴۴۹ دلار)	۱۰۴۲	۱۸/۲	۱۳/۴	۱۱/۴	۲۹/۹	۱۸/۷	۱۸/۹
کشورهای با درآمد متوسط به بالا (تا ۷۶۷۹ دلار)	۴۱۸۴	۱۴/۳	۱۰/۶	۹/۵	۲۱/۳	۱۲/۷	۱۴/۸
کشورهای با درآمد بالا (۷۶۲۰ دلار و بالاتر)	۱۳۱۰۰	*	۱۰/۳	۸/۲	*	۱۲/۸	۷/۷
جهان	۲۰۲۰	۲۰	۱۳/۵	۱۰/۷	۳۰/۷	۱۷/۷	۱۹

* اطلاعات در دسترس نیست.

مأخذ: متوسلی و آهنجیان

جدول ۳- نرخ بازدهی زنان و مردان در سطوح مختلف تحصیلی (به درصد)

سطوح تحصیلی	مردان	زنان
ابتدایی	۲۰/۱	۱۲/۸
متوسطه	۱۳/۹	۱۴/۸
عالی	۱۳/۴	۱۲/۷
کلیه سطوح	۱۱/۱	۱۲/۴

مأخذ: متوسلی و آهنجیان

۶-۲. یافته‌های ساخارو پولوس

پولوس در سال ۱۹۷۳ میلادی نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری آموزشی را برای ۳۲ کشور

توسعه یافته و در حال توسعه تخمین زد و نتایج تحقیقات خود را به شرح زیر بیان نمود:

- نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در تمامی سطوح تحصیلی بیش تر از نرخ

هزینه فرصت‌های اجتماعی است؛

- کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی، دارای بازدهی آموزشی بالاتری هستند.

ساخاروپولوس به کشورهای دنیا تأکید می‌کند که به دلایل زیر در آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کنند:

- دولت‌ها به این دلیل که منافع اجتماعی آموزش و پرورش بیش‌تر از منافع خصوصی آن است باید به بخش آموزش و پرورش کمک کنند؛

- با توجه به اصل برابری و تساوی، برای این که نابرابری درآمدها از نسلی به نسلی دیگر منتقل نشود؛

- بسیاری بر این باورند که اصل صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در آموزش نیز صادق است و از این رو تأمین مالی و ارائه خدمات عمومی آموزش در سطح وسیعی، کارایی آموزشی را افزایش می‌دهد.

۷. نکات مورد توجه در اقتصاد آموزش و پرورش

اقتصاد آموزش و پرورش همچنان که بیان شد کاربرد اقتصاد در آموزش و پرورش را مورد توجه قرار می‌دهد و در تمامی بخش‌های آموزش و پرورش حضور مؤثر دارد. درست برخلاف برداشت‌های عادی که اقتصاد آموزش و پرورش را به مسائل هزینه‌ای و تأمین امکانات مالی مؤسسات آموزشی محدود می‌کنند، امینی‌فر (۱۳۶۸) اثر اقتصاد آموزش و پرورش را بر روی پدیده‌های زیر شناسایی می‌کند:

۷-۱. توزیع درآمد بین افراد جامعه،

۷-۲. رویه‌های کارفرمایان (اعم از بخش عمومی یا بخش خصوصی) در مورد استخدام و ترخیص کارکنان،

۷-۳. ساخت شغلی نیروی کار با توجه به نیازهای مهارتی مشاغل و محتوای تربیتی لازم برای آنها،

۷-۴. مهاجرت افراد در امور داخلی یک کشور یا مهاجرت به کشورهای مختلف برای کسب و کار،

۷-۵. الگوهای تجارت بین‌المللی،

۷-۶. و از همه کلی‌تر اثر آموزش و پرورش را در زمینه دورنمای رشد اقتصادی مورد رسیدگی قرار می‌دهد و مسائل مختلفی را که از دیدگاه اقتصادی برای نظام‌های آموزشی مطرح هستند ارائه کرده و در پی جستجوی پاسخ مناسب برای آن‌هاست.

ولی متوسلی و آهنگیان (۱۳۸۱) موضوع‌های اقتصاد آموزش و پرورش را چنین

برمی‌شمارند:

- سرمایه انسانی محور بسیاری از تحقیقات در اقتصاد آموزش و پرورش است؛

- کارایی اقتصادی، تحلیل مسأله کارایی در چارچوب تخصیص منابع و مسأله برابری

با هدف تحصیل حداکثر رضایت افراد، با توجه به دو قید محدودکننده منابع و تکنولوژی،

- سهم تعلیم و تربیت در رشد اقتصادی،^۱

- از طرف دیگر سهم تعلیم و تربیت در اقتصاد با وابستگی که به عوامل زیر دارد مورد

توجه قرار می‌گیرد،

- استفاده بیش‌تر از نیروی کار،

- استفاده بیش‌تر از سرمایه‌ها و تجهیزات فیزیکی و مادی،

- استفاده از نیروی کار متخصص و کارآزموده،

- استفاده از تجهیزات و فناوری پیشرفته،

- تخصیص منابع کارآمدتر و مطلوب‌تر عوامل تولید،

- کارایی درونی آموزش و پرورش،^۲

- تقاضا برای نیروی تربیت شده،

- کارایی بیرونی آموزش و پرورش،^۳

1. Economic growth.
2. Internal efficiency.
3. External efficiency.

- مالیه آموزش و پرورش.

حوزه مالیه آموزش و پرورش باید به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

- آموزش و پرورش چگونه و از چه منابعی باید تأمین مالی شود؟

- چگونه تقسیم و تسهیم نیاز مالی آموزش و پرورش بین دولت و بخش غیردولتی صورت می‌گیرد؟

- وضع «تعادل» بین منابع مالی عمومی و خصوصی باید چگونه باشد؟

و در نهایت برابری^۱ و کارایی در ارتباط با مالیه آموزش و پرورش مورد توجه است.

برابری در مقابل چه چیز؟ در مقابل کدام قانون؟ در مقابل چه فرصت‌هایی؟ یا برابری

در نتایج؟ که این موضوعات، مورد بحث و بررسی علمای اقتصاد آموزش و پرورش است.

۸. تبیین هدف‌ها در اقتصاد آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام^۲

۸-۱. هدف‌های تربیتی در امور اقتصادی

دین مبین اسلام مکتبی غنی و مانع و جامع است و خود دارای نظام‌های مختلف، اعتقادی،

اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تربیتی است که در بین نظام‌های یاد شده، نظام تربیتی اسلام با

سایر نظام‌های مذکور، دارای ارجحیت و اشراف است و در حقیقت تمامی نظام‌ها در طول

نظام تربیتی قرار می‌گیرند. هدف اساسی دین مبین هدایت مردم و جامعه به سوی توسعه

واقعی و نظامی نهایی در سیر و تقرب الی الله است، به نحوی که ضمن حفظ کرامت و

حق‌الناس، انسان‌ها در هر دو جهان سعادت‌مند شوند و تلاش می‌شود تا حرکت‌های تربیتی

به نحوی مسائل اقتصادی را شکل دهند که آثاری به شرح زیر در جامعه ظاهر شود:

1. Equality

۲. علی فقیهی، تبیین هدف‌ها در اقتصاد آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام. (تهران، انتشارات پژوهشکده تعلیم و

تربیت).

۸-۱-۱. کمک برای دینداری و کسب تقوای الهی

از حضرت رسول (ص) نقل شده است «نعم العون علی تقوی الله الغنی»: ثروت بهترین کمک برای کسب تقوای الهی است.^۱

۸-۱-۲. راهی برای کسب شایستگی‌ها و کمالات

«... لا یصلح المرء المسلم الا ثلاثه: التفقه فی الدین و الصبر علی النائبه و حسن التقدير فی المعیشه»^۲.

۸-۱-۳. ابزاری برای جلوگیری از ظلم

غنی یحجزک عن الظلم خیر من فقر یحملک علی الاثم.^۳

۸-۱-۴. سزاواری و شایستگی برای مسلمانان عاقل

«... ینبغی للمسلم العاقل ان لا یوی ظاعناً الا فی ثلاث: مره لمعاش، او تزود المعاد، او لذه فی غیر ذات محرم...»^۴

۸-۱-۵. راهی برای بقای عزت اسلام و مسلمین

به درستی که یکی از راه‌های بقای اسلام و مسلمین این است که اموال جامعه و سازماندهی امور اقتصادی آن به عهده کسانی باشد که حق را درست شناخته بدان خوب عمل می‌کنند و یکی از راه‌های از بین رفتن عزت اسلام و مسلمین آن است که اموال جامعه و سازماندهی امور اقتصادی آن در دست کسانی قرار گیرد که حق را نشناخته‌اند و شایسته عمل نمی‌کنند.^۵

۱. وسایل، جلد ۱۲، ص ۱۶، حدیث ۱، باب ۶.

۲. وسایل، جلد ۱۲، ص ۴۱، حدیث ۵، باب ۲۲.

۳. وسایل، جلد ۱۲، ص ۱۷، حدیث ۷.

۴. وسایل، جلد ۱۲، ص ۴۰، حدیث ۱، باب ۲۱.

۵. وسایل، جلد ۱۱، ص ۵۲۱.

اگر توجه شود صفات و ویژگی‌های ذکر شده جز از طریق تربیت و تعلیم در مکتب مقدس اسلام، حاصل نمی‌شود و در کل، از مطالب بالا، چنین می‌توان نتیجه گرفت که دین اسلام، نظام تربیتی را به آماده کردن افراد برای دستیابی به اهداف و ویژگی‌های اعلام شده ملزم می‌کند و در نتیجه افراد مسلمان موظف می‌شوند، علوم و مهارت‌های لازم را برای ایجاد نظام اقتصادی عادلانه فراگیرند و به طور فعال در این زمینه کوشش کنند. این هدف کلی بر سه پایه «تولید مناسب»، «توزیع صحیح» و «مصرف به جا و منطقی» استوار است. که هر سه مورد در ارتباط با اهداف اقتصادی آموزش و پرورش مورد بررسی و استناد قرار گرفته‌اند.

۸-۲. هدف‌های تربیتی در ارتباط با تولید

۸-۲-۱. شناساندن و شناختن قداست کار

در نظام تربیتی اسلام، متعلم و متربی این نگرش را دارند یا تحت آموزش اعتقادی کسب می‌کنند که «مال» اصالتاً از آن خداست و مالکیت حقیقی از آن اوست (آنچه در آسمان‌ها و زمین است، تنها از آن خداست) و متعلم و متربی می‌فهمند که پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی - در جامعه دینی - خلیفه الهی و تزیین به صفت الهی است (هو الذی جعلکم خلائف فی الارض ... فاطر آیه ۳۹). به همین دلیل متربی و متعلم موظفند به صورت مستحب یا واجب به تولید و کسب درآمد پردازد و در سطح عالی‌تری آن را عبادت و وسیله تقرب الهی قرار دهند. سایر موارد مستند نظام تربیتی دین مبین اسلام در ارتباط با اهداف اقتصادی آموزش و پرورش در بخش تولید، به طور خلاصه به شرح زیر است:

۸-۲-۲. آمادگی شغلی

آمادگی شغلی که در سیر تکاملی فرد در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی به تدریج شکل می‌گیرد دارای زیرمجموعه‌هایی به شرح زیر است:

- کشف استعداد،

- ایجاد انگیزه و علاقه،
- دادن اطلاعات شغلی،
- ایجاد زمینه اشتغال،
- انتخاب شغل مفید،
- پرورش روحیه کسب درآمد مشروع،
- کسب مهارت.

۸-۲-۳. سعی در خودکفایی اقتصادی

سعی در خودکفایی اقتصادی از طریق خودکفایی جامعه، احیای زمین و دامپروری، صنعت (کسب علوم و مهارت‌های لازم برای استخراج منابع طبیعی و یادگیری انواع صنعت مورد نیاز جامعه).

۸-۳. هدف‌های تربیتی در ارتباط با توزیع

از اهداف مهم اقتصادی در نظام آموزش و پرورش اسلامی توزیع عادلانه ثروت است که به شرح زیر مدنظر قرار می‌گیرد:

۸-۳-۱. توزیع عادلانه عوامل تولید،

۸-۳-۲. توزیع عادلانه درآمد.

۸-۴. هدف‌های تربیتی اسلام در ارتباط با مصرف

از اهداف اقتصادی آموزش و پرورش اسلامی مصرف درست و بهره‌برداری مناسب و منطقی از مواهب طبیعی و تولیدی و تأمین نیازهای مادی و معنوی افراد و خانواده آنان و جامعه است که به طور خلاصه در چند هدف زیر به صورت خلاصه بیان می‌شود:

۸-۴-۱. رفع نیاز یا بهره‌مندی

مکتب تربیتی دین مبین اسلام، نیازهای متعددی را در حال و زمان‌های آتی از ابعاد مادی و معنوی، فردی و جمعی برای انسان‌ها تعریف کرده است و به مردم توصیه کرده است که به صورت مناسب و درست از مواهب طبیعی و تولیدی به حدی که با معنویت و آخرت

هماهنگ باشد بهره‌برداری و نیاز خود را تأمین کنند.^۱

۸-۴-۲. مصرف و اهداف مصرف

نظام تربیتی دین مبین اسلام، مردم را در مصرف مال به سه گروه تقسیم می‌کند: دسته اول کسانی که مال را برای تأمین نیاز خود به کار می‌برند و بقیه را برای آخرت ذخیره می‌کنند، دسته دوم کسانی که در ارتباط با امر الهی - انسانی مال خود را مصرف می‌کنند (نظیر صلہ رحم)، دسته سوم کسانی که اموال خود را در راه‌های ضد ارزشی و ضد انسانی به کار می‌گیرند.

در مکتب تربیتی دین مبین توصیه شده است که اموال خود در موارد زیر استفاده شود:

- در بهداشت بدنی و روانی و بهبود شئون زندگی،

- مصرف برای رفاه خانواده و حفاظت از آن،

- مصرف برای حفظ آبروی امور معنوی.

و در نهایت مکتب تربیتی دین اسلام به ما توصیه می‌کند:

- در مقابل بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند روحیه شکر و سپاس را در خود و

شاگردان خود تقویت کنیم،

- روحیه قناعت و صرفه‌جویی منطقی در خود و شاگردان خود پرورش دهیم،

- بخشی از اموال خود را در راه رفع نیاز دیگران مصرف کنیم یعنی روحیه تعاون مالی

داشته باشیم.^۲

۹. فواید توجه به اقتصاد آموزش و پرورش

توجه به اقتصاد آموزش و پرورش فوایدی به شرح زیر دارد:

۹-۱. اقتصاد آموزش و پرورش به مدیران آموزش و پرورش کمک می‌کند تا از منابع

تحت اختیار خود استفاده بهینه به عمل آورند؛

۱. رک. ب: سوره‌های لقمان، آیه ۲۰، طه آیه ۵۴-۵۳، اعراف آیه ۳۲ و سوره کهف آیه ۷، منافقون، آیه ۹

۲. تمامی مواردی که به صورت فهرست‌وار بیان شد مستندات قرآنی حدیثی و روایتی دارند.

۲-۹. اقتصاد آموزش و پرورش به مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی کمک می‌کند تا با محاسبه هزینه - فایده حاصل از آموزش‌های مختلف، تصمیم بگیرند که در کدام آموزش و چه میزان سرمایه‌گذاری کنند تا انتظارات برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور را برآورده سازد؛

۳-۹. اقتصاد آموزش و پرورش با سنجش و اندازه‌گیری هزینه‌ها و منافع ناشی از تحصیل، به مردم کمک می‌کند تا به راحتی رشته و شاخه تحصیلی خود را انتخاب کنند؛

۴-۹. اقتصاد آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی نیروی انسانی و برنامه‌ریزی فضای کالبدی را آسان می‌کند؛

۵-۹. اقتصاد آموزش و پرورش، مدیران ارشد کشور را بیش از پیش به اهمیت سرمایه‌گذاری در انسان آشنا می‌کند و آنان را به این سرمایه‌گذاری ترغیب می‌کند؛

۶-۹. اقتصاد آموزش و پرورش، به رفع نابرابری‌های آموزشی کمک می‌کند؛

۷-۹. اقتصاد آموزش و پرورش، با محاسبات و تحلیل‌هایی که دارد به مدیران آموزشی و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا آموزش و پرورش مفید و با کیفیت را با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار دهند؛

۸-۹. اقتصاد آموزش و پرورش به مدیران و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا در تخصیص منابع به برنامه‌ها راحت‌تر و مطمئن‌تر تصمیم‌گیری کنند؛

۹-۹. اقتصاد آموزش و پرورش نتایج حاصل از پیشرفت تکنولوژی در آموزش و پرورش را نشان می‌دهد و زمینه‌های لازم را برای پیشرفت بیش‌تر و سریع‌تر فراهم می‌کند.

۱۰. اهداف اقتصادی نظام آموزش و پرورش ایران

در بخشی از اهداف کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مصوب ششصد و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۷۷/۷/۳۰، اهداف اقتصادی به شرح زیر اعلام شده است:

- توجه به اهمیت رشد اقتصادی به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به رشد و توسعه

- شناخت ارزش و قداست کار و معاش حلال،
- مهارت بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه برای اشتغال مولد در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات،
- ایجاد روحیه ساده زیستی، قناعت و پرهیز از هرگونه اسراف و مصرف زدگی و تجمل گرایی،
- پرورش روحیه انفاق و دستگیری از محرومان،
- تقویت روحیه عمل به احکام اقتصادی اسلام،
- شناخت حرف و مشاغل مولد برای درآمد ملی، رفع بیکاری و وابستگی اقتصادی،
- تقویت روحیه مبارزه با بهره کشی اقتصادی و مشاغل خلاف مصالح جامعه اسلامی،
- شناخت منابع اقتصادی کشور و شیوه های صحیح استفاده از آنها و پرورش روحیه حراست از اموال عمومی و ثروت ملی.

خلاصه و نتیجه گیری

اقتصاد آموزش و پرورش شاخه ای از علم اقتصاد است که کاربرد علم اقتصاد را در آموزش و پرورش و تأثیر بیرونی و درونی و بین رشته ای آن را مورد توجه قرار می دهد و به موضوعاتی چون،

- تأمین منابع مالی آموزش و پرورش،
- مدیریت منابع،
- آموزش و پرورش و اثر آن در توسعه و رشد اقتصادی،
- آموزش و پرورش و درآمد،
- تأثیر آموزش و پرورش در توزیع عادلانه درآمد،
- تأثیر آموزش و پرورش در افزایش تولید و درآمد خانواده،
- تقسیم و تسهیم منابع مالی آموزش و پرورش بین دولت و بخش های غیردولتی،
- سرمایه انسانی،
- تحلیل هزینه های آموزش و پرورش و اثر بخشی هزینه ها،

- نرخ بازده آموزش و پرورش،

- اقتصاد زمان مصرف برای آموزش و یادگیری.

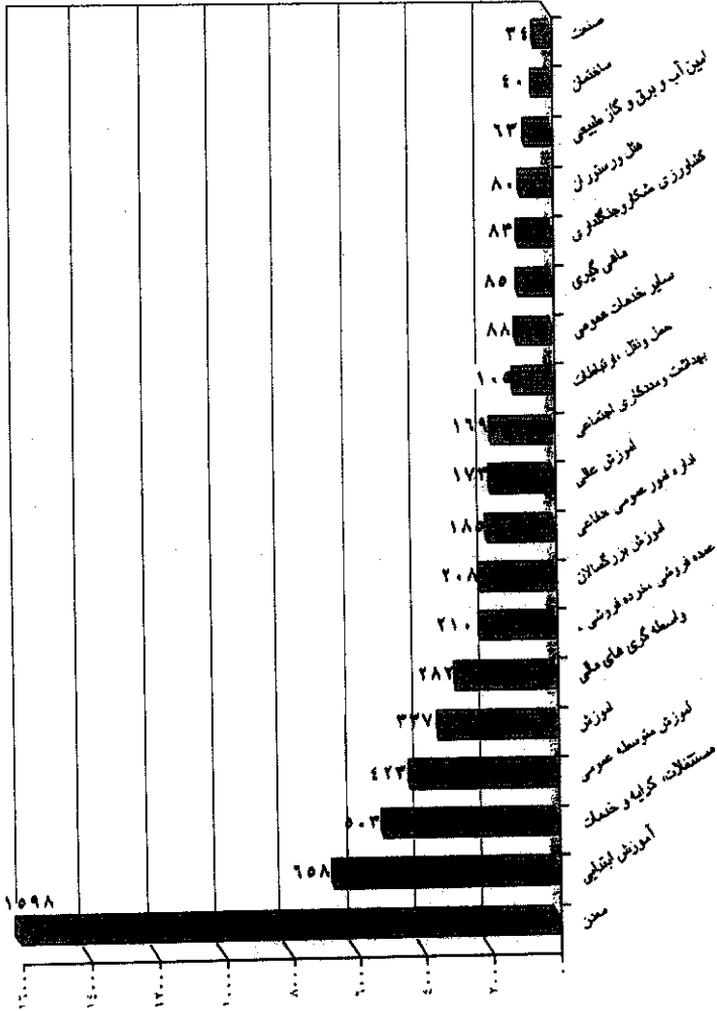
در اهمیت آموزش و پرورش و نقشی که در توسعه کشور دارد مطالب دیگری به صورت‌های مختلف از جمله به صورت نظری بیان شده است، ولی بهترین مطالعه در سال ۱۳۸۱ در مرکز آمار ایران انجام گرفته است.

مرکز آمار ایران ارزش افزوده بخش‌ها را در نوزده بخش و زیربخش اندازه گرفته است بیش‌ترین ارزش افزوده با ۱۵۹۸ درصد به معدن تعلق دارد، مکان دوم و چهارم به ترتیب با ۶۵۸ درصد و ۴۲۳ درصد به آموزش‌های ابتدایی و متوسطه عمومی تعلق دارد.

مطالعه این آمار نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش پاسخ مثبت داده است، ثمربخشی سرمایه‌گذاری در آن، حتی بهتر از آموزش عالی که در مکان دهم (با ۱۷۳ درصد ارزش افزوده) قرار دارد نمود واقعی یافته است.^۱

مدیران جامعه و سیاست‌گذاران عمده کشور به آموزش و پرورش و آموزگاران در حد و شأن آن‌ها توجه کافی ندارند مشکلات عدیده‌ای در تأمین اعتبار و بودجه مورد نیاز آموزش و پرورش وجود دارد و چون بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش به صورت سنتی عمل می‌شود در نتیجه، کسری اعتبار در تمامی سال‌های قبل و بعد از انقلاب ادامه داشته است به صورتی که در سال ۱۳۸۳ نیز آموزش و پرورش مانند سال‌های قبل با کسری اعتبار روبه‌رو خواهد شد.

نمودار سهم ارزش افزوده به سهم مصرف واسطه در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور و زیرمجموعه بخش آموزش در سال ۱۳۸۰ (درصد)



منبع: مرکز آمار ایران

منابع و مآخذ

۱. امینی فر، مرتضی. «اقتصاد آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۵، شماره ۴، (زمستان ۱۳۶۸).
۲. دشتی، محمد. امام علی و مباحث تربیتی. تهران: ناشر مؤسسه فرهنگی، ۱۳۷۹.
۳. رشیدپور، عبدالمجید. تربیت از دیدگاه وحی. تهران: انتشارات مؤسسه دین و توسعه، ۱۳۶۴.
۴. ریشه‌های توسعه نیافتگی در آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲.
۵. فقیهی، علی نقی. تبیین هدف‌ها در اقتصاد آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۷.
۶. فیوضات، یحیی. مبانی برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: انتشارات مؤسسه نشر و ویرایش، ۱۳۷۶.
۷. گروه مشاوران یونسکو. فرایند برنامه‌ریزی آموزشی. ترجمه فریده مشایخ، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰.
۸. متوسلی، محمود و آهنجیان، محمدرضا. اقتصاد آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
۹. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۱.
۱۰. محسن پور، بهرام. برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶.
۱۱. هلک، ژاک. سرمایه‌گذاری برای آینده آموزش و پرورش. ترجمه عبدالحسین نفیسی، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۱.